

مادر، فراوان ترین سوزه تقدیم نامه کتاب‌ها

تقدیم نامه نویسی، تاریخچه ای به درازای تألیف دارد. آنچه اکنون تغییر کرده، محل، شیوه، انگیزه و تنوع مخاطب است. تقدیم نامه نویسی و نگارش به نام و برای شاهان و ملوک، از دیرباز در بسیاری از فرهنگ‌ها، از جمله در فرهنگ اسلامی، رواج داشته است؛ از جمله این موارد، در قرن دوم هجری، تألیف کتاب سیره نبوی ابن اسحاق است. به نقل مورخان، او از مدینه به حیره آمد و کتاب سیره خود را برای ابوجعفر منصور تألیف کرد. در قرن دوم، قاضی ابویوسف، کتاب الخراج را به دستور هارون نوشت و در مقدمه، ضمن نصایحی به او، از وی یاد کرده است. در قرن سوم، جاحظ، آثارش را به امیران و وزیران تقدیم می کرد و از این بابت پول هنگفتی می گرفت و به وسیله آن ارتزاق می نمود. تقدیم نامه نگاری در قرون متعدد میان علمای شیعه نیز مرسوم بود و استاد رسول جعفریان این موضوع را در دو دوره «پیش از صفویه» و «پس از صفویه» بررسی کرده است. کتاب «گزیده تقدیم نامه کتاب‌ها در ایران» (۱۳۵۷- ۱۴۰۰ ش.) با عنوان فرعی (مادر زیباترین و فراوان ترین سوزه تقدیم نامه

کتاب‌ها در ایران) به کوشش دکتر علی صادق زاده وایقان تدوین شده است. این کتاب با همکاری زینب مرتاضی وایقان و عظیمه نجفقلی نژاد ورجوی سامان یافته

است.

برای مطالعه اصل این گزارش در

خبرگزاری ایسنا کد را اسکن کنید.



عواقب تغییرات اقلیمی با زبان شعر و داستان



کتاب جدید بن اوکری، نویسنده برنده جایزه بوکر، با محوریت فعالیت های محیط زیستی به نگارش درآمده و یک درخواست شخصی از بشریت برای مراقبت بهتر از کره زمین است. بن اوکری نویسنده نیجریه‌ای- بریتانیایی است که در سال ۱۹۹۱ برای رمان «جاده گمشده» به عنوان برنده جایزه ادبی بوکر انتخاب شد. این نویسنده هفته گذشته در جریان افتتاحیه یک رویداد ادبی واقع در ژبی از جدیدترین کتاب خود با عنوان «تایگرو رک، رونمایی کرد. تایگر ورک در حقیقت مجموعه‌ای از داستان های کوتاه، شعر و مقاله است که اوکری در قالب آن ها تخیل و جادو را با هم آمیخته تا عواقب ناشی از تغییرات اقلیمی را از طریق آینده ای روایت کند که در آن «جنگل ها مثل تک شاخ ها به افسانه تبدیل شده اند.» اوکری گفته: «مدت هاست که نسبت به از دست دادن جنگل هایمان کنجکاو شده ام، چرا که دیدم این اتفاق چه بلایی بر سر سنت هایمان آورده است. اگر اهل قومی باشید که نیمی از مراسم ها و فرهنگ هایشان به صورت اشتراک مساعی و نوعی هارمونی با جنگل در ارتباط است، زمانی که جنگل از بین برود، مرگ چیزی در مردم کم آغاز می شود.» اوکری می گوید همیشه از طریق کارش به طور غیرمستقیم درگیر تغییرات آب وهوایی بوده است. این نویسنده بیان کرد: «اگر به نخستین رمان هایم در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی رجوع کنید، متوجه می شوید که من در همان دوران نیز درباره جنگل زدایی صحبت کرده ام. من در آن دوران نیز از آلودگی رودخانه ها و آلودگی هوا گفته بودم.

اوکری تصمیم گرفته این کتاب را منتشر کند تا از این طریق انواع نگارش را در یک مجموعه بگنجاند، چرا که معتقد است باید از روش های متعددی به مسئله تغییرات اقلیمی پرداخته شود. این نویسنده توضیح داد: «این کتاب به شما این فرصت را می دهد که انواع مختلف کسب اطلاعات و مطالعه را تجربه کنید. با این کتاب مخاطب به روش بسیار کاملی با یک مسئله آشنا می شود.»

به اعتقاد این نویسنده مهم است که داستان های این کتاب علاوه بر بلا بردن آگاهی، این سؤال را در ذهن مخاطبان ایجاد کند که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. اوکری گفت: «برای من طرف داری از محیط زیست فقط به مسئله تغییرات اقلیمی محدود نمی شود. طرف داری از محیط زیست در حقیقت درباره این سؤال اصلی است که ما چه کسانی هستیم.»

برای خواندن اصل این مطلب در خبرگزاری ایسنا کد را اسکن کنید.



شهر
اخبار
SHAHRANNEWS.IR
شماره ۵۳۵
۱۸ خرداد ۱۴۰۲
۱۹ تیرماه ۱۴۴۴

۱۰



فرهنگ و ادبیات

درباره رمان و فیلم «در جبهه غرب خبری نیست»

مرثیه ای برای جوانی ازدست رفته

مجید خاکپور

در زمانه رنج های غلیظ و پوچ و مرگ های بی شمار و به ناقح، راه در امان ماندن از جنون، قطع ارتباط عاطفی است. پل بومر، خیلی زود به این حکمت پی برد. به این حکمت ناگزیر. یعنی درش را خوب



و البته تو کوچک تر از اونی که بتونی قضاوت کنی. تو فقط جوخه و گروهان خودتونی می بینی و فکر ت به جاهای بالاتر قد نمی ده.» آنچه در کتاب (و بیشتر از آن در نسخه ۲۰۲۲فیلم) توی چشم می زند، همین تضاد بین زاویه دید ژنرال های سیر است که در اتاق های امن و بلند سقف تصمیم های کند و کاهلانه و به دور از واقعیت می گیرند و آن واقعیتی که سرباز و نظامی گرسنه و یخ زده در خط مقدم تجربه می کند.

مارک و دفتر خاطره ای از تجربه های دست اول «اریش ماریا رمارک» از ۱۲ ژوئن ۱۹۱۷ به عنوان دا و طلب به جبهه غربی (فلاندر) رفت و در هنگ ۱۵ پیاده نظام ذخیره وستفاليا مستقر شد. پس از چند هفته، در ۳۱ ژوئیه ۱۹۱۷ او چنان از ناحیه گردن، دست راست و پای چپ مجروح شد که بقیه جنگ را در بیمارستان نظامی دویسبورگ گذراند. در آنجا از سربازان درباره تجربیاتشان در جنگ پرسید و نتایج این گپ و گفت ها را یادداشت کرد و یک دفتر خاطرات را از تجربه های جنگ پر کرد.

مارک درست پس از پایان جنگ جهانی اول وارد حرفه روزنامه نگاری شد. در تابستان ۱۹۲۷، شروع کرد به نوشتن «در جبهه غرب خبری نیست». برخی عمل نوشتن را تلاشی برای خود درمانی و اقدامی پاک کننده از آسیب های جنگ دانسته اند.

موفق ترین کتاب آلمان در زمان انتشار رمان رمارک جنگ را برهنه نشان می داد و در زمان انتشار یک اتفاق محسوب می شد. تأییش از او ادبیات جنگ تحت تأثیر نگاه ژنرال ها بود که تمایل داشتند چهره ای رمانتیک از جنگ نشان دهند.

«در جبهه غرب خبری نیست» نخستین بار در سال ۱۹۲۸ در روزنامه آلمانی Vossische Zeitunghe منتشر شد و در ۳۱ ژانویه ۱۹۲۹ بود که به صورت کتاب درآمد. کتابی که مانند شیپور بیدارباش همه را از جا پراند. چاپ اول کتاب در آلمان در همان روز انتشار به فروش رسید. در هفته اول حدود ۲۰ هزار نسخه فروخت. در همان سال به ۲۶ زبان ترجمه شد و تا پایان سال بیش از یک میلیون نسخه از این کتاب از قفسه کتاب فروشی ها خارج شد. امروز از این کتاب ترجمه هایی به بیش از ۵۰ زبان وجود دارد و رقمی که تا سال ۲۰۰۷ از فروش آن تخمین زده اند به بیش از ۲۰ میلیون نسخه می رسد. این رمان در ایران نیز چندین دهه است که با ترجمه های مختلف تجدید چاپ می شود. «در جبهه غرب خبری نیست» در زمان انتشار موفق ترین کتاب در تاریخ ادبیات آلمان بود... تا اینکه نازی ها سر کار آمدند.



مراسم کتاب سوزی نازی ها

عثمانی مربوط می شود.. «چیز هایی مانند عشق» هم در بستر زندگی مدرن می گذرد و در واقع درباره مفهوم عشق است. البته اسم اصلی رمان «عشق وغیره» است؛ اما شرایطی پیش آمد که مجبور شدیم نامش را تغییر دهیم. بسمی درباره کار های در حال ترجمه اش نیز گفت: مجموعه داستان آخر مارگارت اتوود با عنوان «نازنین های سالخورده در پیشه» و برای نشر ثالث ترجمه می کنیم. این مجموعه داستان که آخرین کار اتوود است، شخصیت های ثابت دارد و در سه فصل نوشته شده و تم اصلی و مشترک کار ها مرگ است. رمان «پیشه نشینان» توماس هاردی را هم برای نشر افق ترجمه کردم که گفته اند در شهریور ماه منتشر می شود. این کتاب مانند کار های دیگر هاردی درباره زندگی مردم بریتانیاست. اثری کلاسیک و پر حجم. این مترجم باسابقه و پرکار یاد آور شد: رمان دیگری هم به اسم

سهیل بسمی مترجم پرکار و باسابقه ای که ترجمه آثار متعددی از نویسندگان مختلف، از «کازانو ایشی گورو تا مارگارت اتوود» را در کارنامه خود دارد، در گفت وگویی کوتاهی با ایسنا درباره تازه ترین ترجمه هایش گفت: به تازگی سه کتاب از من منتشر شده است: «حیات شیطان» ایوو آندریچ و رمان کوتاه «دوتل» جوزف کنراد در نشر خوب و «چیز هایی مانند عشق» از جولین بارنز در نشر ثالث. او سپس در توضیحی کوتاه درباره این رمان ها بیان کرد: «دوتل» یک اثر کلاسیک و مربوط به دوران جنگ های ناپلئونی در اروپاست که داستان پرماجرائی دارد؛ اما با همان قلم ادبی کنراد. رمان «حیات شیطان» نیز یک جور تمثیل سیاسی از ایوو آندریچ است که داستان رئالیستی جادویی است اما بستر زمانی آن به دوره حکومت

سهیل سُمی از ترجمه های تازه منتشر شده و کتاب های در راه انتشارش گفت

فقط باید صوری کرد



جهانی اول مردها مثل اسب ها می مردند و احدی برای آن ها مرثیه نمی خواند. جوانان از پشت میز مدرسه به کانال های سرد و یگی می رفتند، می مردند، فراموش می شدند... کسی برای آن ها مرثیه نمی خواند. اریش ماریا رمارک در رمان «در جبهه غرب خبری نیست، از این جوانان و آن جنگ می گوید و پل بومر شخصیت اصلی و راوی این تراژدی است.

گذاشتند که بگوید حقوق فیلم را بدون رضایت او فروخته اند و در واقع یهودیان از او کلاهبرداری کرده اند. رمارک نپذیرفت. آواره شد. به سوئیس مهاجرت کرد و پس از آن به آمریکا رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند. سال ۱۲۰۲ اقتباس دیگری از این رمان ساخته شد. فیلمی که بسیار موفق بود و چهار اسکار گرفت. سال هاست از نازی ها خبری نیست.

جوانی از دست رفته، نسل گم شده «پاییز است. از سربازان قدیمی آن قدرها باقی نمانده اند. من آخرین نفر از هفت رفیق هم کلاسی سابقم.» هر که آشنا بوده کشته شده. «پل بومر» هم دیگر آدم سابق نیست. استحال شده است به پیرمردی خسته و غلیل و ناکام. «کانتورک در نامه ای به آن ها لقب «جوانان آهنین» داده بود و آن ها به حرف او خندیده بودند: «کانتورک ما را جوانان آهنین می داند. بله این عقیده او و هزاران کانتورک دیگر است! جوانان آهنین! جوانان؟ هنوز هیچ کدام از ما به بیست سالگی نرسیده ایم اما جوانی؟ جوانی مدت هاست مرده. ما دیگر پیر هستیم. پیر و فرسوده.»

اریش ماریا رمارک نسل خودش را، نسل جنگ دیده را، «نسل گم شده» می داند و تصویر می کند. اصطلاحی که «گرترود استاین» مبدع آن است و گویا «ارنست همینگوی» که خودش از زخم خوردن جنگ جهانی اول است در رمان «خورشید همچنان می دمد» برای نخستین بار از آن استفاده کرده است. جایی در رمان پل بومر می گوید: «اگر امروز برگردیم، موجوداتی خسته، شکسته، سوخته، سست و ناامید خواهیم بود. دیگر نخواهیم توانست راه و رسم زندگی مان را بشناسیم. مردم زبان ما را نخواهند فهمید.» آن ها را نخواهند فهمید، نه نسل گذشته و نه نسل بعد. این است نسل گم شده.

منابع:

برای نوشتن این مطلب از منابع زیر استفاده شده است: smithsonianmag.com westernfrontassociation.com wikipedia.org

* تمام جملات در گویوه از رمان «در جبهه غرب خبری نیست»، با ترجمه سیروس تاجبخش است.



«خانه شادی» اثر ادیت وارتنو دارم که قرار است در نشر برج منتشر شود. این رمان درباره تغییر دوران عصر ویکتوریایی و مسئله استقلال و وابستگی زن هاست. شخصیت اصلی یک زن است که در بستر شدیم نامش را تغییر دهیم. بسمی درباره کار های در حال ترجمه اش نیز گفت: مجموعه داستان آخر مارگارت اتوود با عنوان «نازنین های سالخورده در پیشه» و برای نشر ثالث ترجمه می کنیم. این مجموعه داستان که آخرین کار اتوود است، شخصیت های ثابت دارد و در سه فصل نوشته شده و تم اصلی و مشترک کار ها مرگ است. رمان «پیشه نشینان» توماس هاردی را هم برای نشر افق ترجمه کردم که گفته اند در شهریور ماه منتشر می شود. این کتاب مانند کار های دیگر هاردی درباره زندگی مردم بریتانیاست. اثری کلاسیک و پر حجم. این مترجم باسابقه و پرکار یاد آور شد: رمان دیگری هم به اسم